

# دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات یوحنا، جلسه 20، نجات، حفظ، حفظ، نجات در حال حاضر و نه هنوز

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد الهیات یوحنا. این جلسه ۲۰ است، نجات، حفظ، نگهداری. نجات از قبل و نه هنوز.

در آخرین سخنرانی من در مورد الهیات یوحنا، بیایید به خداوند روی آوریم. پدر مهربان، تو را به خاطر فیضت که ما را نجات می‌دهد، حفظ می‌کند، به ما عطا می‌کند، در خدمت تو به کار می‌گیرد و ما را به سلامت به خانه بازمی‌گرداند، سپاسگزاریم. در برابر تو سر تعظیم فرود می‌آوریم، تو را جلال می‌دهیم، از تو می‌خواهیم که دوباره به ما بیاموزی، به نام عیسی، آمین.

این بار نجات، حفظ شده است. قوم خدا حفظ شده‌اند، آنها حفظ شده‌اند. ما این را بارها در یوحنا ۶ دیده‌ایم، حداقل باید آن را بخوانم و بر آن قسمت‌ها تأکید خواهم کرد.

یوحنا ۶:۳۷، هر آنچه پدر به من عطا کند، نزد من خواهد آمد، و هر جا که نزد من آید، هرگز آن را بیرون نخواهم کرد. عیسی ما را طرد نخواهد کرد؛ او ما را از خانواده‌اش بیرون نخواهد کرد، و پس از آنکه به فیض و از طریق ایمان به سوی او آمده‌ایم، ما را طرد نخواهد کرد. این است اراده‌ی فرستنده‌ی من، آیه‌ی ۳۹ از یوحنا ۶، که از هر آنچه او به من داده است، چیزی از دست ندهم.

عیسی برگزیدگان را تا به آخر نجات یافته نگه می‌دارد، اما در روز آخر آنها را زنده خواهد کرد. این زبان، زبان مشترک قوم خداست که از ضمیر خنثی استفاده می‌کند. در آیه ۴۰، این اراده پدر من است که هر که به پسر بنگرد و به او ایمان آورد، اکنون حیات جاودان داشته باشد و من او را در روز آخر زنده خواهم کرد.

سپس عیسی قوم خدا را حفظ می‌کند. همانطور که در سخنرانی قبلی گفتم، برای ارائه یک ارائه کامل‌تر از کتاب مقدس، باید بگوییم که حفظ، کار تثلیث، پدر، پسر و روح القدس است. در اینجا، تنها پسر است که ما را حفظ می‌کند و در روز آخر ما را برمی‌خیزاند.

این کار را به اندازه کافی انجام داده‌ایم، بنابراین از طریق تکرار، عیسی گفت، گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و آنها از من پیروی می‌کنند. من به آنها حیات جاودان می‌دهم. توماس شراینر B&H Brauman and در کتابی در مورد رستگاری به عنوان بخشی از مجموعه کریستوفر مورگان Holman، الهیات برای قوم خدا، به من نشان داد.

شراینر تأکید کرد، و من قبلاً به اندازه کافی روی این موضوع تأکید نکرده بودم، او به من آموخت که زندگی ابدی به خودی خود به چه معناست؛ این کلمه‌ای برای حفظ و بقا است. این حیاتی است که هرگز پایان نخواهد یافت. من به آنها زندگی ابدی می‌دهم و آنها هرگز هلاک نخواهند شد.

یک جمله قاطع و قاطع در مورد این امنیت ابدی، حفظ گوسفندان، و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد ربود. او از زبان قوی برای پوشش تلاش‌های کمتر برای گرفتن ما از دست او استفاده می‌کند. اوه بله، اما من می‌توانم خودم را از دست او نجات دهم.

عیسی همین الان گفت که آنها هرگز هلاک نخواهند شد. تو نمی‌توانی خودت را از دست او نجات دهی. پدرم که آنها را به من داده، از همه بزرگتر است.

هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را از دست پدرم بگیرد. ما در دست پسر هستیم، ما در دست پدر هستیم، من و پدر در کار الهی خود برای حفظ امنیت قوم خدا یکی هستیم. و بعد ما به اینها نگاه نکرده‌ایم، پس بیایید این کار را انجام دهیم.

یوحنا ۱۷. یوحنا ۱۷، عیسی چندین بار سخنان تسلی‌بخش ایراد می‌کند و به وسیله‌ی آنها به قوم خود که برایشان دعا می‌کند اطمینان می‌دهد که سرانجام نجات خواهند یافت. یوحنا ۱۱:۱۷ و ۱۲

من دیگر در این دنیا نیستم. دوباره آنجاست. عیسی در این دنیا نیست، به سوی صلیب می‌رود، اما او آنقدر مصمم و متمرکز بر انجام اراده پدر و تحقق نقشه اوست که در واقع به این موضوع از منظر بازگشت به نزد پدر در آسمان نگاه می‌کند.

من دیگر در جهان نیستم، اما آنها در جهان هستند، قومی که پدر به پسر داده است، قوم خدا. و من نزد تو می‌آیم، پدر مقدس. خب، بفرمایید.

او هنوز واقعاً آنجا نیست، اما خواهد آمد. بنابراین، او بین عمل هدفمند و عمل انجام شده مردد است. پدر مقدس، آنها را به نام خود حفظ کن، جایی که نام، نماد شخص است.

آنها را در خود حفظ کن. آنها را با قدرت خود حفظ کن. نامی که به من داده‌ای، تا آنها یکی باشند، همانطور که ما یکی هستیم.

پدر، آنها را حفظ کن. آنها را در امان نگه دار. عیسی برای حفظ قوم خدا دعا می‌کند.

در مدتی که با آنها بودم، به نام تو که به من بخشیده‌ای، از آنها محافظت کردم. من از آنها محافظت کرده‌ام و هیچ‌یک از آنها هلاک نشده است، مگر پسر هلاکت، تا کتاب مقدس تحقق یابد. استثناً، قاعده را ثابت می‌کند.

کوستنبرگر، در کتاب «الهیات انجیل و نامه‌های یوحنا»، به من یادآوری کرد که او با نتیجه‌گیری من موافق است. یهودا هرگز از نو زاده نشد. یهودا هرگز نجات نیافت.

بنابراین، او رستگاری نداشت و آن را از دست داد. او آن را نداشت. به نظر می‌رسید که آن را دارد، اما در باب ۱۲، جایی که عیسی مسح می‌شود، یهودا اعتراض می‌کند.

این پول، این پماد باید به فقرا فروخته می‌شد، فروخته می‌شد و پولش به فقرا داده می‌شد. دوازده، پنج. او این را نه به خاطر اینکه به فقرا اهمیت می‌داد، بلکه به این دلیل گفت که دزد بود و مسئول کیسه پول.

او قبلاً به خودش کمک می‌کرد. این یک نقص پیشرونده است. این عادت او، رسم او، به آنچه در آن قرار داده شده بود، بود.

او دزدی نیست که دزدی کند و سپس توبه کند، حتی بارها و بارها. دزدی عادت او بود. و مطمئناً، او این کار را مخفیانه انجام می‌داد زیرا متی قبلاً مأمور مالیات بود.

اگر متی می‌دانست که صاحب کیسه پول دزد است، یا یهودا را خفه می‌کرد یا او را به تیمارستان اورشلیم می‌برد. یهودا هرگز احیا نشد. او این نقش را بازی کرد، اما در واقع یکی از شاگردان به معنای کامل کلمه نبود.

یوحنا ۱۷، ۱۵. پدر، عیسی دعا می‌کند که از تو نمی‌خواهم که آنها را از جهان ببری، بلکه می‌خواهم که آنها را از شریر دور نگه داری. شیطان، شیطان، ابلیس، خدای این جهان، حاکم این جهان و شریر نامیده می‌شود.

عیسی دعا می‌کند که پدر، قوم خدا را از شریر دور نگه دارد. آن دعا مستجاب خواهد شد. و ما شاهد دعای دیگری از این دست در آیه ۲۴ هستیم، اگرچه این دعا به جای مخالفت با جنبه منفی، تأکید بر جنبه مثبت است.

زیرا اکنون عیسی می‌گوید، ای پدر، آرزو دارم کسانی که به من بخشیده‌ای نیز با من باشند، جایی که من هستم. عیسی خود را در حال بازگشت به پدر در جلال در آسمان تصور می‌کند تا جلالی را که تو به من داده‌ای، به خاطر محبتت به من، پیش از بنیاد جهان، ببیند. عیسی دعا می‌کند که قومش به آسمان راه یابند. تا با عیسی و پدر باشند.

پدر آن دعای پسرش را رد نخواهد کرد. نجات حفظ شده، از حفظ [خدا] سخن می‌گوید. عیسی در روز آخر، قوم خود را برخیزاند، یوحنا ۶. عیسی و پدر، گوسفندان را در امان نگه می‌دارند، یوحنا ۱۰.

دعای کاهن اعظم سه بار شامل دعایی برای نجات نهایی، حفظ و حراست از مؤمنان به خداوند عیسی است. در نهایت، نجات از قبل وجود داشته و هنوز نه. این شاید مهمترین حقیقت آخرالزمانی در عهد جدید باشد.

پیشگویی‌های بزرگ عهد عتیق تا حدودی به طور واقعی محقق شده‌اند. اما پایان عصر فرا نرسیده است. آن پیشگویی‌ها به طور کامل و نهایی محقق نشده‌اند.

ما این را قبلاً و نه هنوز با دو گفته از آن زمان دیده‌ایم. زمانی فرا می‌رسد که مردم نه در سامره در جریزیم و نه در اورشلیم در کوه صهیون عبادت خواهند کرد. اکنون در کتاب اعمال رسولان، آنها درست در همان جایی که بودند، عبادت می‌کنند.

آنها دیگر مجبور نبودند به اورشلیم بروند، و پرستش سامری از همان ابتدا کفرآمیز بود. اما از سوی دیگر، زمانی فرا می‌رسید، و اکنون اینجاست.

چه زمانی پرستندگان حقیقی، پدر را در روح و حقیقت، مانند زن سامری، پرستش خواهند کرد. بنابراین، گفته‌های مربوط به زمان، به «در حال حاضر» و «هنوز نه» اشاره دارند. تحقق‌های تحقق‌یافته‌ی فعلی. هنوز تحقق‌های کامل‌تری هستند.

دیگری در فصل پنجم است. زمانی فرا می‌رسد، و اکنون اینجاست که مردگان دوباره زنده می‌شوند تا معنای سخنان یوحنا را خلاصه کنند. زمانی فرا می‌رسد، و اینجا نیست که کسانی که در قبرهایشان هستند صدای پسر انسان را بشنوند و بیرون بیایند.

چهار حقیقت در مورد وقایع آخر، از قبل وجود دارند و هنوز نه. نجات و داوری، رستاخیز، ظهور مجدد، جلال یافتن، نجات و داوری. ما یوحنا ۱۷: ۳ و ۱۸ را بارها خوانده‌ایم.

پس از یوحنا ۱۶:۳، زیرا خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند، بلکه تا جهان به وسیله او نجات یابد. هر که به او ایمان آورد، از پیش محکوم نشده است. کسی که به نام پسر خدا ایمان نیاورد، از پیش محکوم شده است.

فکر کنم یه کم خرابکاری کردم. خوب نیست، اصلاً خوب نیست. خدا پسرش رو به دنیا نفرستاد تا دنیا رو محکوم کنه، بلکه فرستاد تا از طریق اون دنیا رو نجات بده.

یوحنا ۱۸:۳، هر که به او ایمان آورد، محکوم نمی‌شود. اما هر که ایمان نیاورد، از پیش محکوم شده است. این کلمه از پیش استفاده می‌کند، زیرا او به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است.

رستگاری و داوری بسته به رابطه فرد با عیسی مسیح وجود دارد. فرد می‌تواند بداند که محکوم نشده و محکوم نخواهد شد، یا کسی که او را رد می‌کند، محکوم شده و محکوم خواهد شد. بار دیگر، اگر فرد به مسیح ایمان داشته باشد، حکم اخیر می‌تواند تغییر کند.

رستگاری و داوری حاضرند و البته به کامل‌ترین معنای خود. جهنم و آسمان‌ها و زمین جدید برای مؤمنان رستاخیز یافته در انتظارند. اما یوحنا ۱۷:۳ و ۱۸ هنوز این را نشان نمی‌دهند.

یوحنا ۱۲:۲۵ حداقل هنوز حیات جاودان را نشان نمی‌دهد. هر که جان خود را دوست بدارد، آن را از دست می‌دهد. یوحنا ۱۲:۲۵ هر که در این دنیا از جان خود متنفر باشد، آن را برای حیات جاودان حفظ خواهد کرد.

آن زندگی ابدی در جهان بعدی است. اشاره‌ای آینده‌نگرانه به رستگاری وجود دارد. شاید هر کسی که جان خود را دوست دارد، آن را از دست بدهد، به این معنی است که ما آن را از دست خواهیم داد.

شاید یک حال آینده‌نگرانه در این زمینه. یعنی، ما آن را در روز آخر و پس از آن از دست خواهیم داد. ما قبلاً دیده‌ایم که رستاخیز در حال حاضر وجود دارد و هنوز نه.

رستاخیز محقق شده است. یوحنا ۵:۲۴، ۲۵ هر که کلام مرا بشنود به فرستنده من ایمان آورد، از همین حالا حیات جاودان دارد. او به داوری نمی‌آید، بلکه از مرگ به حیات منتقل شده است.

ساعتی فرا می‌رسد، و اکنون این همان زمانی است که به تحقق پیوسته است، زمانی که مردگان صدای پسر خدا را خواهند شنید و کسانی که می‌شنوند زنده خواهند شد. این اکنون یک رستاخیز روحانی برای کسانی است که به عیسی ایمان دارند. و البته، همانطور که بارها گفتیم، یوحنا ۵:۲۸-۲۹ از رستاخیز جسمانی صحبت می‌کند، نه رستاخیزی مربوط به آینده.

ساعتی فرا می‌رسد که در آن همه کسانی که در قبرهایشان هستند، بیرون خواهند آمد. برخی برای رستاخیز حیات، برخی دیگر برای رستاخیز داوری، که در این متن به معنای محکومیت است. این چیزی است که ما در مورد آمدن دوباره مسیح به آن نپرداختیم.

تو من این است که هر جنبه‌ی اصلی چیزهای آخر، تحقق یافته است و هنوز به شکلی بزرگتر تحقق نیافته است. جنبه‌ی «از پیش آمدن دوباره واقعاً نادیده گرفته شده است، در یوحنا ۱۴ در آیه‌ی ۲۳ گنجانده شده است». هنوز نه «آسان است، دل‌هایتان را مضطرب نکنید».

یوحنا ۱: ۱۴ به خدا ایمان داشته باشید، به من نیز ایمان داشته باشید، در خانه پدر من یا در اتاق‌های متعدد، اگر اینطور نبود، پس آنچه به شما گفته‌ام این است که من می‌روم تا مکانی برای شما آماده کنم، و اگر بروم و مکانی برای شما آماده کنم، دوباره می‌آیم و شما را پیش خود می‌برم تا جایی که من هستم شما نیز باشید. عیسی بهشت را به تصویر می‌کشد. عیسی بودن با پدر را به عنوان عمارتی در بهشت با اتاق‌های متعدد به تصویر می‌کشد، و یکی از آن اتاق‌ها نام مؤمن شما را بر روی آن نوشته است. هنوز مطمئن نیستیم عیسی رفته است تا مکانی برای ما آماده کند. معنی همه این تصاویر این است که ما متعلق به خدای پدر هستیم. او ما را دوست دارد و از ما استقبال خواهد کرد. وقتی عیسی دوباره بیاید، ما را در حضور خود برای بودن با خود خواهد پذیرفت.

فکر نمی‌کنم ما از یک خانه آسمانی واقعی صحبت می‌کنیم، بلکه از یک خدای پدر واقعی صحبت می‌کنیم که قوم خود را دوست دارد و می‌خواهد آنها در حضور بسیار شاد او باشند. اما جنبه دیگر، جنبه حاضر آمدن دوم، در ۱۴: ۲۳ است. در واقع، هم پدر و هم پسر به نوعی می‌آیند. ۲۲ یوحنا ۱۴ یهودا، نه ایسکاریوتی. قبلاً به شما گفتم که این مرد خیلی خوشحال است که این در کتاب مقدس است تا مبادا با یهودا که پسر ایسکاریوتی بود اشتباه گرفته شود. به او گفت: «خداوند، چگونه است که خود را به ما نشان می‌دهی و نه به جهان؟» «عیسی به او پاسخ داد»: «اگر کسی مرا دوست داشته باشد، کلام مرا نگه خواهد داشت و پدرم او را دوست خواهد داشت و ما به سوی او خواهیم آمد و با او خانه خواهیم ساخت.»

یک و دو و سه عیسی در حال آماده کردن اتاق‌هایی در خانه آسمانی پدر برای قوم خدا است. ۱۴: ۲۳. اگر دوست داشتن عیسی منجر به این می‌شود که پدر و پسر اکنون در قلب‌ها و زندگی ما در خانه باشند. اگر کسی مرا دوست داشته باشد، کلام مرا نگه می‌دارد، از من اطاعت می‌کند و پدرم او را دوست خواهد داشت و ما پدر و پسر نزد او خواهیم آمد و اکنون با او خانه خواهیم ساخت.

به این معنا، آمدن دوباره مسیح از قبل، قطعاً نه به معنای انکار آمدن دوباره فیزیکی و تحت‌اللفظی او در پایان عصر، بلکه برای آموزش یک رفاقت معنوی واقعی با پدر و پسر است، به گونه‌ای که مؤمنانی که خداوند عیسی را دوست دارند، در کتاب دی. ای. کارسون با عنوان «آموزه دشوار عشق به خدا»، او می‌خواهد این را فقط برخی از مؤمنان قرار دهد. من در مورد این مطمئن نیستم، اما می‌گویم، مطمئناً برای همه مؤمنان باز است، این دعوت به عشق عمیق به عیسی و اطاعت از اوست، و نتیجه آن رفاقت شیرین با پدر و پسر است، و این رفاقت به زبان آنها که می‌آیند و با ما ساکن می‌شوند و خانه خود را با ما می‌سازند بیان می‌شود. من سال‌ها پیش یک دانش‌آموز شیرین داشتم، استوارت کشمن از لندن؛ چیزهای زیادی از استوارت یاد گرفتم: یک دانش‌آموز خوب، عاشق مردم و عاشق عمیق خداوند.

این با بیانیه همسرش در فیسبوک به پایان می‌رسد، دیروز یا پریروز، استوارت سال‌ها و سال‌ها با بیماری دست و پنجه نرم کرد، همیشه با رفتاری شیرین، و او گفت، متأسفم که به تو می‌گویم عزیزم، شوهر عزیزم فوت کرد و به نزد ناجی‌ای که خیلی دوستش داشت رفت، آمین. اگر آن مرد را می‌شناختید، حقیقت همین است. من و یکی از همکاران سابقم در مدرسه علمیه کاوننت، دیوید کالهون، با هم قدم می‌زدیم و اوقات بسیار خوبی را با هم می‌گذراندیم.

ما آن غازها را دور آن برکه می‌دیدیم، و از فاصله، حدود دو ثانیه به خودمان فرصت می‌دادیم، بسیار خوب حالا نگاهمان را برمی‌گرداندیم، و هر کدام حدس می‌زدیم که چند غاز آنجاست. خیلی سخت است؛ آنها همیشه غازهای بیشتری از آنچه ما حدس می‌زدیم داشتند، بنابراین من پنج یا بیشتر اضافه می‌کردم و هنوز هم خیلی مطمئن بودم؛ به هر حال، ما خوش می‌گذراندیم. به هر حال، یک پیرمرد هندو آنجا بود، ببینید چه کسی صحبت می‌کند، پیرمرد هندو، بسیار جهان‌وطن، هندوی لیبرال، باید اضافه کنم، بسیار دوستانه، با سگ کوچکش، که به نظر می‌رسید هر لحظه در شرف مرگ است، به هر حال، ما با او دوست شدیم، و کمی با او در مورد خداوند صحبت کردیم، اما استوارت کشمن با او دوست شد و زیاد با او در مورد خداوند

صحبت کرد، بدون اینکه توهین آمیز باشد، فقط یک موهبت قابل توجه، و او از موهبت خود برای دوست داشتن گناهکاران استفاده می کرد.

این یک چیز شگفت انگیز است، آن توانایی دوست داشتن دیگران، ایجاد احساس راحتی در آنها، و پدر و پسر برای مؤمنانی که عیسی را دوست دارند و اطاعت از احکام او را بار خود قرار می دهند، وعده‌ی رفاقت ویژه می دهند. بنابراین، من آمدن دوم را همانطور که در یوحنا ۱۴:۲۳ آمده است، می بینم، آمدن دوم، به اصطلاح، جنبه‌ی حضور و رفاقت پدر و پسر در زندگی کنونی ما است، و آمدن دوم به معنای واقعی کلمه هنوز در آیات اول تا سوم، جایی که عیسی به صراحت در یوحنا ۱۴:۳ می گوید، من دوباره خواهم آمد، از آن صحبت نشده است. در نهایت، نه تنها برای نجات در حال حاضر و نه هنوز، بلکه در نهایت، برای مسیرمان، به جلال نگاه می کنیم.

شما می گوید، مطمئناً، جلال یافتن فقط مربوط به آینده است؛ خب، جلال یافتن عمدتاً مربوط به آینده است، اما این موضوع سال‌هاست که مرا گیج کرده است؛ من به کتاب مقدس اعتقاد دارم؛ مشکل من این است که همیشه کتاب مقدس را نمی فهمم. دوم قرن‌تین، می دانم که اینجا با پولس سر و کار داریم، می خواهم جنبه‌ای از جلال یافتن را که از قبل وجود داشته است نشان دهم. دوم قرن‌تین ۱۸:۳، و همه ما با چهره‌های بی پوشش که جلال خداوند را می بینیم، به همان تصویر تبدیل می شویم، به معنای واقعی کلمه از جلالی به جلال دیگر، از یک درجه جلال به درجه دیگر.

زیرا این از جانب خداوند که روح است، می آید. پولس تعلیم می داد و تمام مفسرانی که با این ایده تعصب ندارند، می گویند که او در مورد مؤمنانی تعلیم می دهد که اکنون از جنبه‌ای از جلال لذت می برند، همانطور که به عیسی نگاه می کنند، همانطور که جلال خداوند را می بینند، همانطور که عیسی را می پرستند، اکنون از یک درجه جلال به درجه دیگر به تصویر مسیح تبدیل می شوند. و بله، روح القدس نقشی ایفا می کند، در پایان آیه، برخی می گویند، و من فکر می کنم احتمالاً درست است، به عنوان مثال، سینکلر فرگوسن در کتاب خود در مورد روح القدس، در واقع در مورد خداوند عیسی صحبت می کند، که از نظر عملکردی معادل می شود، نه از نظر هستی شناسی با او اشتباه گرفته می شود، که از نظر عملکردی معادل روح القدس می شود، به هر حال، این خداست که این تقدیس تدریجی را در مؤمنان ایجاد می کند.

اگر کتاب مقدس این را نمی گفت، هرگز چنین چیزی نمی گفتم. یوحنا ۱۷:۲۲، از آیه ۲۰ شروع می شود، من نه برای اینها، بلکه برای کسانی که به وسیله کلام آنها به من ایمان خواهند آورد، درخواست می کنم تا همه آنها یکی باشند، همانطور که تو، پدر، در من هستی و من در تو، تا آنها نیز در ما باشند، تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای. جلالی را که به من داده‌ای، من به آنها داده‌ام.

این خودش یک جنبه از جلال است. چطور ممکن است این شاگردان، که خیلی، خیلی مشکل دار هستند، نه به انجیل چهارم، بلکه به انجیل... ایمان ندارند، قطعاً در انجیل متی و انجیل لوقا، عیسی بارها و بارها پیش‌بینی می کند که او به دست کاتبان و فریسیان فروخته خواهد شد، مصلوب خواهد شد و در روز سوم دوباره زنده خواهد شد، بارها و بارها، سه یا چهار بار، و آنها نمی‌توانند آن را تحمل کنند. می‌توان گفت که این افراد، از آنها، جلالی را که تو به من داده‌ای، پدر، من به آنها داده‌ام.

خب، خداوند را ستایش کنید. برای ما، کسانی که در زندگی مسیحی با هم تلاش می کنیم، امیدی وجود دارد این برای من باورنکردنی است، کاملاً باورنکردنی است که آنها یکی باشند، همانطور که ما یکی هستیم. این مفهوم امروزی و مترقی جلال، مطابق با دوم قرن‌تین ۱۸:۳، وحدت کتاب مقدسی را در میان قوم خدا ایجاد می کند.

جلالی را که به من داده‌ای، من به ایشان داده‌ام تا آنها یکی باشند، همانطور که ما، پدر و پسر، یکی هستیم هر جنبه اصلی شکرگزاری پایانی، تا حدودی، در حال حاضر و هنوز محقق نشده است، و به طور گسترده‌تری، زمانی که عیسی دوباره بیاید، زمانی که پایان فرا می‌رسد، از جمله جلال، محقق خواهد شد. البته آیه ۲۴ از جلال نهایی صحبت می‌کند.

ای پدر، آرزو دارم آنانی که به من بخشیده‌ای نیز با من باشند، جایی که من هستم تا جلال مرا که به من عطا کرده‌ای، ببینند، جلالی که تو پیش از بنیاد جهان، به خاطر محبتت به من، به من عطا کردی. عیسی در اینجا دعا می‌کند که مؤمنان سرانجام جلال یابند. او می‌خواهد که آنها در حضور پدر و پسر باشند تا جلال مسیح را ببینند.

اینکه آیا این یک جلال میانی است یا با جلال نهایی ادغام می‌شود، مطمئن نیستم، اما مطمئناً هنوز اینطور نیست. بنابراین، دوباره می‌بینیم که نجات جنبه مهمی در انجیل یوحنا است. عهد عتیق آن را پیش‌بینی کرده بود.

ضرب‌المثل‌هایی که می‌گویند زمانش رسیده، گاهی اوقات با این ضرب‌المثل همراه می‌شوند که می‌گویند هنوز زمان عبادت مستقل از مکان فرا نرسیده است، یوحنا ۴، برای رستخیز مردگان، یوحنا ۵. رستگاری و داوری، همین الان هم بر اساس رابطه‌ی فرد با مسیح برقرار است. و شاید کسی که به این سخنرانی‌ها گوش می‌دهد، خداوند را نشناسد. مطمئناً بارها و بارها انجیل را شنیده‌اید.

ما علیه خداوند، خدای خود که ما را دوست داشت و پسرش را داد تا هر کسی را که به او ایمان آورد نجات دهد، شورش می‌کنیم. اگر چنین وضعیتی دارید، از شما می‌خواهیم که از گناهان خود توبه کنید، به مسیح اعتماد کنید که به جای شما مرده است، دوباره زنده شده است تا به شما زندگی ابدی بدهد و گناهان شما را ببخشد. اگر این کار را انجام دهید، آن روز برای شما و من نیز روز شادی خواهد بود.

خیلی دوست دارم از این سخنرانی‌های انجیل یوحنا که در به اشتراک گذاشتن پیام انجیل بسیار واضح و تکرارشونده هستند، چنین چیزی را بشنوم. رستخیز در حال حاضر در تجدید حیات است. هنوز در رستخیز واقعی بدن نیست.

آمدن دوباره به این معنا است که پدر و پسر می‌آیند و در زندگی مؤمنانی که عیسی را با تمام وجود دوست دارند و از او اطاعت می‌کنند، خانه می‌کنند. اما این هنوز به کمال خود نرسیده است. و عیسی وعده می‌دهد که دوباره بیاید و ما را به خانه آسمانی پدر ببرد.

جلال، هر چقدر هم که شگفت‌انگیز به نظر برسد، به یک معنا از قبل وجود دارد. اما کمال آن در انتظار است. رفتن ما به سوی خداوند یا آمدن او برای بردن ما به سوی خودش.

بنابراین پایان سخنرانی‌ها در مورد انجیل چهارم و عشق عظیم خدا در خداوند ما عیسی مسیح. آمین.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد الهیات یوحنا است. این جلسه 20، نجات، حفظ، نگهداری است. نجات در حال حاضر و نه هنوز.